

مقدمه

بی تردید «علم نحو» در حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چرا که فهم کتاب، سنت (روایات) و کتاب‌های حوزوی و امدار و وابسته بدان است. به همین سبب باید در انتخاب متن آموزشی و شیوه آموزشی آن نهایت دقت را به خرج داد، به ویژه برای نوآموزانی که نخستین قدم را در راه فراگیری آن برمی دارند.

در سال‌های اخیر برخی از ادیبان حوزه، در تهیه متن آموزشی برای مرحله آغازین فراگیری این علم، تلاش فراوان و شایسته‌های انجام داده‌اند. محصول این کوشش‌های چندساله، کتاب *بداة النحو* است. اخیراً از این کتاب ترجمه‌ای تلخیص‌گونه با اندکی تغییر و افزودن تمرین با عنوان آموزش مقدماتی نحو ارائه شده است. اکنون این ترجمه در بعضی از مدارس قم به عنوان پیش‌درآمد کتاب هدایه و صمدیه تدریس می‌شود. سخن ما در این نوشتار، نقد و بررسی ترجمه مزبور است.

لازم است پیش از پرداختن به نقد و بررسی، در چون و چند بایسته‌های متن‌های آموزشی علم نحو (نحو مقدماتی) به نکاتی اشاره شود.

بایسته‌های متن آموزشی علم نحو

۱. در آغاز آموزش علم نحو به نوآموزان، نباید از کتاب‌های نحوی‌ای که به زبان عربی نگاشته شده است، استفاده کرد؛ زیرا عده‌ای از نوآموزان پس از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه می‌شوند که بالطبع سواد ادبی آن‌چنانی ندارند که قادر به خواندن و فهم جملات عربی باشند. عده‌ای نیز پس از گرفتن دیپلم به حوزه راه پیدا می‌کنند که عربی‌دانی بیشتر آنان در سطحی نیست که بتوانند بدون واسطه با متون عربی سروکار داشته باشند. آن دسته‌ای هم که پس از تحصیلات دانشگاهی جذب حوزه می‌شوند، یا با ادبیات عرب سروکار داشته‌اند یا نداشته‌اند؛ آنهایی که نداشته‌اند وضعیتشان روشن است، اما آنانی که داشته‌اند عده بسیار کمی هستند که عربی‌دانی آنان در سطحی است که بتوانند از پس متون عربی برآیند. باتوجه به مطالب بیان شده، برای یک نوآموز بس دشوار است که بخواهد قواعد نحوی را ابتدا به زبان عربی بیاموزد. چرا که باید در یک آن، در سه جبهه در تکاپو و

نقد و بررسی کتاب

نگاهی به کتاب «آموزش مقدماتی نحو»

دانش‌آموخته حوزه و کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

جواد آسه

چکیده: از آنجا که علم نحو در فهم کتاب، سنت و کتاب‌های حوزوی نقش اساسی دارد، باید در فراهم آوردن متنی برای آموزش آن و نیز به کار گرفتن شیوه مناسبی در تعلیم آن دقت فراوانی مبذول داشت. نویسنده در مقاله حاضر، کتاب آموزش مقدماتی نحو را در بوته نقد و بررسی قرار داده است. برای این هدف، پیش از نقد کتاب پیش‌گفته، ابتدا بایسته‌های متن آموزشی علم نحو را بیان می‌کند و سپس با برشمردن امتیازات و نیز ضعف‌ها و کاستی‌های کتاب آموزش مقدماتی نحو، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: آموزش مقدماتی نحو، نحو مقدماتی، علم نحو، معرفی و نقد کتاب.

۱. غلامعلی صفای بوشهری، *بداة النحو*، چاپ ۲، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۲. همان، آموزش مقدماتی نحو، چاپ ۱، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.

معنادار زبان عربی است؛ به گونه‌ای که اکنون در هیچ یک از زبان‌های زنده دنیا این خصیصه وجود ندارد. می‌توان گفت ظهور و بروز علم نحو در جامعه اعراب است. بنابراین به نظر می‌رسد بهترین سیر و ترتیب منطقی در ارائه قواعد نحوی، ترتیبی است که براساس اعراب چهارگانهٔ رفع، نصب، جر و جزم انجام شود. در دو کتاب هدایه و صمدیه که پس از کتاب آموزش مقدماتی نحو تدریس می‌شود قواعد نحوی، براساس اعراب چهارگانهٔ رفع، نصب، جر و جزم مطرح می‌شوند.

مؤلف محترم نیز بخشی از قواعد نحوی را ذیل اعراب چهارگانهٔ رفع، نصب، جر و جزم گرد آورده است. به همین سبب بخش زیادی از مباحث نحوی از سیر منطقی درستی، برخوردار شده است. همچنین بخشی دیگر از قواعد نحوی را ذیل عناوین «فعل‌های انشایی غیرطلبی»، «اسم‌های عامل»، «توابع» و «ادوات» جمع کرده است که این نیز سبب شده است، قواعد نحوی سیر منطقی صحیحی داشته باشند.

در کتاب نحو مقدماتی^۴ که چند سالی است در حوزه‌های علمیة سراسر کشور تدریس می‌شود، سیر منطقی پیش‌گفته رعایت نشده است. در صورتی که افزون بر به سامان‌تربودن ارائه قواعد نحوی براساس «اعراب»، چنان‌که بیان شد در دو کتاب هدایه و صمدیه نیز که پس از کتاب نحو مقدماتی خوانده می‌شود قواعد نحوی براساس «اعراب» ارائه شده است. عدم رعایت نکتهٔ پیش‌گفته در کتاب نحو مقدماتی سبب می‌شود تا فراگیران دچار سردرگمی و حیرت شوند.

۲. ارائه تعریف‌ها براساس نظریه ساختاری - معنایی: تعریف‌هایی که در این کتاب ارائه شده است، براساس نظریه ساختاری - معنایی است. براساس بررسی زبان‌شناسان و پژوهشگران، برای تدوین دستور / نحو زبان باید از نظریه ساختاری - معنایی استفاده کرد؛^۵ برای نمونه اگر تعریفی را که ادیبان از «فاعل» به دست داده‌اند، بررسی کنیم، این نتیجه حاصل می‌شود که برخی آن را براساس نظریه معنایی تعریف کرده‌اند. صاحب صمدیه فاعل را چنین تعریف کرده است: «وهو ما اسند الیه العامل فیه قائما به».^۶ چنان‌که ملاحظه می‌کنیم این تعریف با توجه به معنا انجام شده است. با این توضیح که به ساختار فاعل که باید فعل تام، مقدم، خالی از ضمیر و معلوم یا شبه فعل باشد، اشاره

تلاش نفس‌گیر باشد. نخست آنکه باید متن را با اعراب صحیح بخواند. دوم آنکه باید از پس ترجمه متن برآید که لازمه‌اش دانستن معنای لغات و آشنایی با علم صرف و نحو است و سوم آنکه باید قواعد را به درستی فرا بگیرد. نتیجه آنکه برای شروع آموزش علم نحو در حوزه، باید از کتاب‌های نحوی‌ای استفاده کرد که به فارسی نگاشته شده باشد.

۲. در این کتاب پیش از ورود به مباحث نحوی باید در مقدمه‌ای، به صورت مختصر، مفید و گویا به مسائل ذیل اشاره می‌شد. الف) تاریخ علم نحو؛ ب) اهمیت و نقش علم نحو در فهم کتاب^۳ و سنت؛ ج) معرفی کتاب‌هایی که در علم نحو نگاشته شده است همراه با توضیح کوتاهی از زندگی‌نامه مؤلفان آنها؛ د) تفاوت‌ها و شباهت‌های دستور زبان فارسی و نحو عربی. بیان این مطالب سبب می‌شود فراگیر با آگاهی و انگیزه افزون‌تری به فراگیری این علم تشویق و ترغیب شود.

۳. پس از هر درس باید تمرین‌هایی هدفمند، متنوع و از ساده به مشکل، برای تعمیق و به‌ذهن سپاری قواعد ارائه گردد؛ برای نمونه به عنوان چند دسته از این‌گونه تمرین‌ها اشاره می‌کنیم. الف) اعراب‌گذاری و ترجمهٔ جملات؛ ب) ترجمه جملات فارسی به عربی؛ ج) ابتدا متنی عربی در حد یک یا چند پاراگراف آورده و آن‌گاه پرسش‌هایی دربارهٔ آن مطرح شود؛ د) برای نمونه جمله‌ای بیان شود، سپس با تغییر بعضی از کلمات آن، از فراگیر خواسته شود با توجه به تغییرات، جمله را کامل کند.

چنان‌که بیان کردیم برای آموزش علم نحو به فراگیری که در آغاز راه هستند، نباید از متن عربی استفاده کرد، بلکه باید از متن فارسی بهره گرفت. به نظر می‌رسد کتاب آموزش مقدماتی نحو که در آغاز این مقاله معرفی کردیم، کتاب مناسبی برای آموزش علم نحو به نوآموزان باشد. این کتاب در مقایسه با دیگر کتاب‌های آموزش نحو مقدماتی که به فارسی نگارش یافته، امتیازاتی دارد. البته دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز هست که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

امتیازات

کتاب آموزش مقدماتی علم نحو نسبت به کتاب‌های نحوی دیگر که به فارسی نوشته شده، از ویژگی‌ها و امتیازاتی برخوردار است که در ادامه آنها را برمی‌شماریم.

۱. داشتن سیر منطقی: «اعراب» یکی از ویژگی‌های مختص و

۳. به لطف خداوند متعال نگارنده تا حدودی نقش علم نحو در قرآن را در پایان‌نامه‌اش با عنوان نقش علم نحو در تفسیر قرآن کریم بررسی کرده است.

۴. محمود ملکی اصفهانی، نحو مقدماتی، چاپ ۱۷، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۷.
 ۵. اکرم مندانی زاده؛ نقد و بررسی دستور زبان فارسی (۱)؛ مجله سخن سمت، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۵، ص ۸۱ و سعید دامنی؛ «نگاهی انتقادی به دستور زبان فارسی»؛ ۲: دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی فارسی، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۰۴، محمدرضا باطنی؛ نگاهی تازه به دستور زبان؛ ص ۷۵-۱۳۸.
 ۶. جامع المقدمات، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳. ارائه جمع بندی و استفاده از جدول‌ها: از ویژگی‌های مهم این کتاب که در تفهیم هر چه بهتر مطالب بسیار مؤثر است، استفاده از جدول برای تبیین قواعد نحوی است. همچنین پس از پایان هر درس، جمع بندی‌ای از آن درس به صورت نمودار می‌آورد.

۴. ارائه تمرین: از دیگر امتیازات کتاب آموزش مقدماتی نحو این است که پس از بیان هر قاعده نحوی، برای تعمیق و به ذهن سپاری آن، تمرین‌هایی هدفمند، متنوع و از ساده به سخت طراحی کرده است.

در کتاب نحو مقدماتی سختی از همان آغاز تمرین‌های سختی طراحی شده است که هدفمند و دارای تنوع نیست؛ برای نمونه در اولین تمرین این کتاب، از نوآموز خواسته شده است در آیات و روایات داده شده، جمله‌های اسمیه و فعلیه را مشخص و آنها را ترکیب کند.^۹ مراد از ترکیب، آن است که در جمله فعلیه، فعل و فاعل و در جمله اسمیه، مبتدا و خبر را مشخص کند. حال آنکه مؤلف محترم تاکنون توضیحی درباره مبتدا، خبر و فاعل ارائه نکرده است. ثانیاً هنوز فراگیر با اعراب آشنا نشده است.^{۱۰} به نظر می‌رسد این دست تمرین‌ها برای شروع مناسب نباشد.

ضعف و کاستی‌ها

۱. به نظر می‌رسد تا آنجا که ممکن است باید از حفظ محوری در آموزش به ویژه در آموزش علم نحو پرهیز کرد. بنابراین، پرسش‌هایی که پس از پایان بیشتر درس‌ها مطرح شده، که در مواردی، زیاد به نظر می‌آید،^{۱۱} قابل تأمل است.

۲. طرح مباحث پژوهشی^{۱۲} در این سطح از آموزش علم نحو صحیح نیست؛ زیرا فراگیران هنوز با قواعد، در این مرحله از آموزش آشنا نشده‌اند. آنان باید تمام وقت و تلاش خود را صرف فهم قواعد و حل تمرین کنند.

۳. در تعریف برخی از قواعد، فقط از نظریه معنایی استفاده شده است؛ برای نمونه در تعریف مفعول به چنین گفته شده است: «جزئی از جمله است که کاری بر روی آن توسط فاعل انجام شده است». چنان‌که ملاحظه می‌شود این تعریف معنایی است؛ در صورتی که در تعریف مفعول مطلق، مفعول فیه، مفعول له و مفعول معه از «اسم منصوب» استفاده شده است که تعریف را

ای نشده است. برخی هم آن فاعل را بر اساس نظریه ساختاری تعریف کرده‌اند؛ مانند سیوطی که در تعریف فاعل آورده است: «وهو المسند الیه فعل تام مقدم فارغ باق علی الصوغ الاصلی أو ما یقوم مقامه».^۷ در این تعریف چنان‌که ملاحظه می‌شود تنها به ساختار فاعل اشاره شده است. تعریفی که صاحب هدایه از فاعل ارائه داده است، بر اساس نظریه ساختاری - معنایی است. وی در تعریف آن، چنین گفته است: «وهو کل اسم قبله فعله أو شبهه أسند الیه علی معنی أنه قائم به لا واقع علیه».^۸ چنان‌که گفته شد در این تعریف، هم به ساختار فاعل؛ یعنی اینکه فعل یا شبه فعلی قبل از فاعل می‌آید و به آن اسناد داده می‌شود، اشاره شده است و هم به معنای فاعل به این معنا که فاعل فعل را محقق می‌کند نه این که کاری بر فاعل صورت گیرد.

تعریفی که مؤلف محترم از فاعل به دست داده است نیز بر اساس نظریه ساختاری - معنایی و چنین است: «اسمی است که بعد از فعل معلوم و تام قرار می‌گیرد و رخداد آن فعل، به آن نسبت داده می‌شود. به شبه فعل هم در پاورقی اشاره شده است. چنان‌که می‌بینیم در این تعریف هم به ساختار فاعل توجه شده است و هم به معنای آن».

معاونت پژوهش حوزه های علمیه
مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی

آموزش مقدماتی نحو

قسمت اول نحو ۱

صفای بوشهری

۹ رک به: محمود ملکی اصفهانی، نحو مقدماتی، ص ۱۶.

۱۰. مؤلف ارجمند یکی از اشکالات کتاب شرح العوالم را این دانسته که قواعد را به ترتیب بیان نکرده است و این مسئله سبب سردرگمی فراگیران می‌شود. رک به: محمود ملکی اصفهانی، نحو مقدماتی، ص ۹. البته خود مؤلف نیز چنان‌که در متن آورده‌ام دچار این آسیب شده‌اند.

۱۱. غلامعلی صفایی بوشهری؛ آموزش مقدماتی نحو؛ ص ۱۳.

۱۲. همان‌طور که پرسش‌ها ذیل عنوان «پرسش» آورده شده است؛ بسیار به جاست که موضوعات پژوهشی نیز ذیل عنوان «پژوهش» ارائه شود.

۷. النهجة المرضیة فی شرح الالفیة، ص ۱۷۱.

۸. جامع المقدمات، ج ۲، ص ۸۰.

آن به وسیله جمله بعد مشخص و روشن می‌شود که به این جمله، صله می‌گویند. در جمله صله، ضمیری وجود دارد که به آن «عائد» گفته می‌شود و مرجع این ضمیر، همان اسم موصول است.^{۱۶} این بند را می‌توان بدین صورت ویرایش کرد: «موصول اسمی است که معنای مبهمی دارد و به وسیله جمله پس از آن، ابهامش برطرف می‌شود. به جمله بعد از موصول، صله می‌گویند. در جمله صله، ضمیری که به آن «عائد» گفته می‌شود، وجود دارد که مرجع آن، همان اسم موصول است.»

نمونه چهارم: «فعل ناقص، اسم و خبرش را در جدول تعیین و بعد آیات را ترجمه کنید».^{۱۷} می‌توان این عبارت را پس از ویرایش چنین بازنویسی کرد: «اسم و خبر فعل ناقص را در جدول زیر تعیین و آیات را ترجمه کنید.»

۶. در پاورقی صفحه شصت از فراگیران خواسته شده است برای ترجمه آیات از فرهنگ‌های ساده عربی - فارسی و ترجمه‌های قرآن کمک بگیرند. این توصیه به این دلایل نادرست است. اول اینکه مشخص نیست مراد مؤلف از «فرهنگ‌های ساده عربی - فارسی» چیست؟ دوم اینکه چون لغات در حال تطور و دگرگونی هستند، باید در ترجمه آیات از کتاب‌های لغتی استفاده کرد که از نظر تاریخی به عصر نزول قرآن نزدیک تر باشند. سوم، اینکه از فراگیران خواسته شود در ترجمه آیات از ترجمه‌های قرآن استفاده کنند، نقض غرض است؛ زیرا در این صورت هدف این تمرین‌ها که آشنایی با لغات و ورزیدگی در ترجمه است، محقق نخواهد شد.

۷. ترجمه آن دسته از مثال‌هایی که بلافاصله پس از تعریف قواعد نحوی در داخل جدول ارائه شده است، گاهی دارای کژتابی است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

نمونه اول: جمله «خدم علی علیه السلام محمداً صلی الله علیه و آله خدمه» بدین صورت ترجمه شده است: «علی علیه السلام به محمداً صلی الله علیه و آله بی‌تردید خدمت کرد».^{۱۸} این ترجمه کژتابی دارد؛^{۱۹} یعنی محتمل دو معناست. اول اینکه حضرت علی علیه السلام به محمد صلی الله علیه و آله بدون داشتن شک خدمت کرد و دوم اینکه آن حضرت بدون شک خادم حضرت ختمی مرتب صلی الله علیه و آله بود. در صورتی که ترجمه صحیح عبارت مزبور این است: «بی‌تردید علی علیه السلام به محمد صلی الله علیه و آله خدمت کرد».

نمونه دوم: ترجمه جمله «جاء رجل عالم أبوه» به «مردی که عالم

ساختاری - معنایی کرده است؛ برای نمونه در تعریف مفعول مطلق چنین گفته است: «مصدر منصوبی است که بعد از عامل خود قرار می‌گیرد تا آن را تأکید کند یا نوع و یا عدد آن عامل را بیان نماید».

۴. چنان‌که در بایسته‌های کتاب آموزش مقدماتی نحو (نکته ۲) آوردیم پیش از آغاز بیان قواعد نحوی باید در مقدمه‌ای به مباحثی مانند تاریخ علم نحو، اهمیت و نقش علم نحو در فهم کتاب و سنت، معرفی کتاب‌هایی که در علم نحو نگاشته شده است همراه با زندگی‌نامه مؤلفان آنها و تفاوت‌ها و شباهت‌های دستور زبان فارسی و نحو عربی پرداخته شود، تا نوآموزان با آمادگی و انگیزه بیشتری به فراگیری علم نحو بپردازند. در این کتاب نه تنها به مباحث مزبور پرداخته نشده است، بلکه مؤلف ارجمند توضیحی درباره علت و اهداف نگارش کتاب مورد بحث نداده‌اند.

۵. نشر کتاب روان، خوشخوان و زودیاب نیست و باید ویرایش شود؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم.

نمونه اول: در تعریف اعراب گفته شده است: «اعراب به تغییرات آخر کلمات معرب گفته می‌شود که به واسطه عمل عوامل رخ می‌دهند».^{۱۳} در صورتی که می‌توان این تعریف را بدین صورت روان و خوشخوان نیز بیان کرد: «اعراب به تغییرات آخر کلمات معرب که توسط عوامل به وجود می‌آید، گفته می‌شود». به نظر می‌رسد باید به جای کلمه «تغییرات» کلمه «اثر» را نهاد؛ زیرا به تغییرات آخر کلمات اعراب نمی‌گویند.^{۱۴}

نمونه دوم: «فعل مضارع معرب می‌تواند هریک از اعراب رفع، نصب و جزم را بپذیرد؛ بنابراین اگر یکی از عوامل لفظی نصب یا جزم بر سر این فعل بیاید منصوب یا مجزوم می‌شود؛ اما به هنگام داخل نشدن عوامل لفظی بر آن، مرفوع است. بنابراین «عدم دخول عوامل لفظی»، عامل معنوی رفع در فعل مضارع، محسوب می‌شود».^{۱۵} این پاراگراف را می‌توان این چنین ویرایش و بازنویسی کرد: «فعل مضارع معرب، هریک از اعراب‌های رفع، نصب و جزم را می‌پذیرد؛ بنابراین اگر یکی از عوامل لفظی نصب یا جزم بر سر آن بیاید منصوب یا مجزوم می‌شود؛ اما اگر هیچ‌یک از عوامل لفظی بر آن داخل نشود مرفوع می‌گردد. پس «عدم دخول عوامل لفظی» بر فعل مضارع را می‌توان، عامل معنوی رفع در آن دانست».

نمونه سوم: «موصول اسمی است که معنای مبهمی دارد و مفهوم

۱۳. غلامعلی صفایی بوشهری، آموزش مقدماتی نحو، ص ۲۷.

۱۴. چنان‌که صمدیه از اعراب چنین تعریفی به دست داده است: «أثر یجلبه العامل فی آخر الکلمة لفظاً أو تقدیراً». رک به: جامع المقدمات، ج ۲، ص ۴۴۲؛ یعنی «اعراب، آن اثری است که به وسیله عامل در آخر کلمه به صورت لفظی یا تقدیری ایجاد می‌شود».

۱۵. غلامعلی صفایی بوشهری، آموزش مقدماتی نحو، ص ۵۶.

۱۶. همان، ص ۴۸.

۱۷. همان، ص ۷۰.

۱۸. همو، ص ۹۰.

۱۹. درباره چند و چون معنای «کژتابی» و نمونه‌های دیگر رک به: بهاء‌الدین خرمشاهی؛ سیر بی سلوک؛ ص ۴۵۵.

«مطالعه آزاد» نیست و به نظر می‌رسد بیان قواعد نحوی، بدین صورت فایده چندانی نداشته باشد.

نتیجه و جمع بندی

از مباحثی که در این مقاله آوردیم این نتایج حاصل می‌شود:

۱. در آغاز کار آموزش عربی به نوآموزان، نباید از متن عربی استفاده کرد، بلکه باید از کتاب‌های نحوی، که به فارسی نگارش شده است، استفاده نمود.

۲. در کتاب آموزش نحوی که برای تعلیم نوآموزان نوشته می‌شود، پیش از ورود به مباحث نحوی باید به مسائلی مانند تاریخ علم نحو، اهمیت و نقش علم در فهم کتاب و سنت، معرفی کتاب‌هایی که در علم نحو نگاشته شده است، همراه با زندگی‌نامه مؤلفان آنها و تفاوت‌ها و شباهت‌های دستور زبان فارسی و نحو عربی، به صورت مختصر، مفید و گویا اشاره شود.

۳. پس از هر درس باید تمرین‌هایی هدفمند، متنوع و از ساده به مشکل برای تعمیق و به ذهن سپاری قواعد ارائه شود و نوآموزان باید به شکل دقیق به این تمرین‌ها پاسخ دهند.

۴. به نظر نگارنده کتاب آموزش مقدماتی نحو می‌تواند در صورت رفع ضعف‌ها و کاستی‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره شد، متن آموزشی مناسبی برای آموزش علم نحو به نوآموزان باشد.

منابع

۱. السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان؛ النهجۃ المرضیة فی شرح الالفیة؛ تحقیق نقی منفرد؛ چاپ ۲، قم؛ مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.
۲. باطنی، محمدرضا؛ نگاهی تازه به دستور زبان؛ چاپ ۱۲، تهران؛ مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۵.
۳. جامع المقدمات؛ تصحیح و تعلیق مدرس افغانی؛ قم؛ مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۲.
۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ سیر بی سلوک؛ چاپ ۳، تهران؛ انتشارات ناهید، ۱۳۷۶.
۵. دامنی، سعید؛ «نگاهی انتقادی به دستور زبان فارسی (۲)»؛ دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۶. صفایی بوشهری، غلامعلی؛ آموزش مقدماتی نحو؛ چاپ ۱، قم؛ مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.
۷. ملکی اصفهانی، محمود؛ نحو مقدماتی؛ چاپ ۱۷، قم؛ انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۷.
۸. مندنی‌زاده، اکرم؛ «نقد و بررسی دستور زبان فارسی (۱)»؛ مجله سخن سمت، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۵.

است، پدرش آمد»^{۲۰} کژتابی دارد. زیرا دو معنا را القا می‌کند. معنای اول این است که «مردی که عالم است پدرش، آمد» یعنی عالم را صفت پدر بگیریم؛ حال آنکه ترجمه صحیح جمله مزبور این است: «مردی که پدرش عالم است، آمد».

۸. در ص ۶۶ ابتدا باید توضیحی درباره نواسخ داده و آن‌گاه به چند و چون اعراب آنها پرداخته شود.

۹. افزون بر تمرین‌هایی که در کتاب آمده است از تمرین‌هایی که در ذیل بیان می‌شود، نیز استفاده گردد.

الف) اعراب‌گذاری و ترجمه جملات؛ ب) ابتدا متنی عربی در حدّ یک یا چند پاراگراف / بند آورده شود، آن‌گاه پرسش‌هایی درباره آن مطرح شود؛ ج) جمله‌ای به عنوان نمونه بیان شود، سپس با تغییر بعضی از کلمات آن، از فراگیر خواسته شود باتوجه به تغییرات، جمله را کامل کند.

۱۰. اعراب برخی از آیات نادرست است که به دو نمونه اشاره می‌شود. نمونه اول: در ص ۹۵، تمرین ۵، کلمه «یَرْفَع» در آیه ۱۱ سوره مجادله (یَرْفَعُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ) به شکل «یَرْفَعُ» اعراب‌گذاری شده است. نمونه دوم: در ص ۱۰۸، تمرین ۸، کلمه «تَزِيدُونَنِي» در آیه ۶۳ سوره هود (فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَسْخِيرٍ) به صورت «تَزِيدَنَنِي» آمده است.

۱۲. شماره برخی از آیات نادرست است. به دو نمونه اشاره می‌کنیم. نمونه اول: در ص ۸۱، تمرین ۲، آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» که آیه ۱۰ سوره حجرات است، آیه ۱۰۰ بیان شده است. نمونه دوم: در جدول ص ۱۱۷، ردیف ۱۷ آیه «والعصر» که آیه نخست سوره عصر است به اشتباه آیه دو معرفی شده است.

در صفحه پس از بسم الله الرحمن الرحيم چنین آمده است: «درک شیرینی زبان و ادبیات فارسی، بدون دانستن زبان عربی میسر نیست. چون کلمات عربی فراوانی در نثر و نظم فارسی به کار رفته است، به همین سبب دانستن زبان عربی ما را در درک شیرینی و فهم بهتر ادبیات فارسی، یاری می‌کند»^{۲۱}.

اما به نظر می‌رسد زبان فارسی (دستور) ارتباط چندانی با زبان عربی نداشته باشد.

۱۳. از آنجا که طبق برنامه، پس از کتاب آموزش مقدماتی نحو کتاب‌های هدایه و صمدیه خوانده خواهد شد، بهتر آن است به همین مقدار قواعدی که در کتاب آموزش مقدماتی نحو آورده شده است، بسنده شود؛ بنابراین نیازی به بیان قواعد دیگر، ذیل عنوان

۲۰. غلامعلی صفایی بوشهری؛ آموزش مقدماتی نحو؛ ص ۱۴۳.

۲۱. برای توضیح بیشتر رک به: بهاء‌الدین خرمشاهی؛ سیر بی سلوک؛ ص ۵۵۵ - ۵۶۶.